

ضارب فراری سطح یک تهران که با سلاح سرد چند نفر را مجروح و چهار سال متواری شده بود، بازداشت شد.

سرهنگ مجتبی مروتی، فرمانده انتظامی شهرستان قشم در این باره به ایرنا گفت: در پی وقوع درگیری بین ارادل وواباش سابقه‌دار در یکی از محله‌های شهر تهران در سال ۱۴۰۰ و استفاده ضارب از سلاح سرد و مجروح کردن چند نفر، تحقیقات پلیسی و تلاش برای دستگیری

#### بازداشت شرور فراری در قشم

هشدار فرماندهی انتظامی کشور درباره اقدامات مجرمانه ارادل وواباش در سال ۱۴۰۴،

حالا رنگ و بوی عملیاتی به خود گرفته و شرارت و گردن‌کشی آنها پایانی جز گلوله پلیس و ویلچرنشینی ندارد. بر اساس آمار پلیس ۱۵ نفر از ارادل و واباش پایتخت در چند روز اخیر به ضرب گلوله پلیس متوقف و دستگیر شده اند. سردار رادن در نخستین روزهای امسال گفت: «امسال به حکم قانون اگر کسی از این ارادل و واباش جرات کند امنیت مردم را به خطر بیندازد قطعاً همکاران ما از روی آنها عبور خواهند کرد.» چند روز بعد هم در گفت‌وگوی ویژه خبری از برخورد قاطع با یک‌گروه از ارادل و واباش در غرب تهران خبر داد و افزود: «۶ نفر از ارادل که مردم را تهدید می‌کردند توسط ماموران پلیس با تیراندازی زمینگیر و دستگیر شدند. یکی از این ارادل احتمالا به درک واصل شده است. این ارادل در خانه مردم را می‌زدند و می‌گفتند یک دانگ از خانه شما را خریدیم و می‌خواهیم بیاییم اینجا زندگی کنیم. یا این‌که می‌گفتند اگر به خواسته ما تن ندهید ما ماشین مان که بیمه است از روی شما رد می‌شویم و دیه شما را بیمه می‌دهد.»

روند برخورد قاطع پلیس با ارادل و واباش ادامه داشت تا این‌که چهارشنبه گذشته درگیری خونینی در خیابان شهید بهشتی به پلیس گزارش شد. بلافاصله ماموران اداره عملیات پلیس امنیت تهران وارد عمل شدند و شش متهم پرونده را دستگیر کردند. متهمان دیروز به محل جرم منتقل شده و صحنه درگیری را بازسازی کردند. رئیس مرکز عملیات پلیس اطلاعات تهران بزرگ در حاشیه این



مراسم گفت: چهارشنبه شب هفته گذشته گروهی از ارادل و واباش از سمت نظام‌آباد با موتورسیکلت‌های خود به خیابان بهشتی تقاطع خیابان اندیشه آمدند و به یک‌یک روزنامه‌فروشی و افرادی که مقابل آن بودند حمله کردند. سرهنگ راستی افزود: این گروه شرور ابتدا صاحب دکه و دو نفر از شهروندانی که مشتری آن بودند با قمه و چاقو مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند؛ به طوری که یک نفر

این ضارب از شرورهای سطح یک تهران و متواری از محل درگیری، آغاز شد.

وی افزود: با توجه به حرفه‌ای بودن این متهم فراری، ماموران با اقدام‌های فنی و گسترش چتر اطلاعاتی مطلع شدند او به مدت چهار سال است که مخفی شده و دائم محل سکونت خود را تغییر می‌دهد. در بررسی ماموران مشخص شد این ضارب پس از چهار سال فرار

دو ماه پیش وارد قشم شده و در یکی از محله‌های قدیمی این شهر خود را مخفی کرده است. این متهم با هماهنگی قضایی در یک عملیات غافلگیرانه مشترک و هوشمندانه پلیسی از سوی ماموران پلیس امنیت عمومی شهرستان قشم و تهران در مخفیگاهش دستگیر و به ستاد این فرماندهی انتظامی منتقل شد.این متهم در زمینه درگیری و قدرت‌نمایی میان ارادل وواباش سابقه‌دار است.

# سال سخت برای ارادل وواباش



از آنها هر دو دستش از کار افتاد و سرش ۸۰ بخیه خورد. همچنین دو نفر دیگر نیز به شدت مجروح شدند. علاوه بر این خودروی صاحب دکه را نیز شدیداً تخریب کردند. وی ادامه داد: این افراد بعد از حمله بلافاصله متواری شدند؛ اما در عملیات‌های مختلف شش نفر از این افراد که همگی

سابقه‌دار هستند، در نقاط مختلفی از تهران و اطراف شهر دستگیر شدند؛ البته سه نفر از این افراد در مقابل همکارانم مقاومت کردند که به ضرب گلوله زمینگیر شدند. این گروه از ارادل و واباش هشت نفر بودند که دستگیری دو نفر دیگر در دستور کار ماقرار دارد.

#### محکمه

## رهایی عروس ورزشکار از چوبه دار

### زوج سالخورده بدون هیچ چشمداشتی قاتل پسرشان را بخشیدند

شهرام در سرویس بهداشتی در حال مصرف شیشه بود که پسرм به موضوع پی برد. بر سر این مسأله درگیر شدیم و او شروع به فحاشی کرد. می‌گفت امشب مرا می‌کشد. سعی داشت چیچی را از روی میز بردارد که برای دفاع از خودم بند مان‌تورا دور گردنش انداختم و آن را اکشیدم تا به چیچی نرسد. بعد بی حال شد. از اتاق بیرون رفتم و متوجه کودی انگشتانم شدم. صبح وقتی پی بردم شهرام فوت شده، باره، چکش و چاقو جسدش را تکه‌تکه کردم و در کیسه‌های نایلونی گذاشتم. بعد در چند نوبت با ماشین به قشم بردم و رها کردم. سپس خانه را تمیز کردم و بچه‌ها را از خانه‌خاله‌م به خانه خودمان آوردم. قصد کشتن شهرام را نداشتم. رئیس دادگاه سپس از سمانه پرسید چرا با اورژانس تماس نگرفتی، که او مدعی شد فکر کردم شهرام بی حال شده و چند دقیقه بعد حالش خوب می‌شود. صبح متوجه فوتش شدم.

در پایان، قضات پرونده را برای تحقیقات بیشتر به دادسرا باگرداندند که در این مدت، وکلای مدافع زن جوان برای جلب رضایت اولیای دم اقدام کردند که پدر و مادر شهرام دو سال بعد از قتل، از خون پسرشان گذشت کردند. بدین ترتیب زن جوان دوباره پای میز محاکمه رفت. ابتدای این جلسه پدر مقتول گفت: من ۷۶ ساله هستم و همسرم نیز از کار افتاده است. به خاطر بچه‌های پسرم از خوش گذشت کردیم. پسرم که فوت شد، نمی‌خواهیم حادق‌ل بچه‌هایش بدون سایه مادر بزرگ شوند. به همین خاطر رضایت می‌دهیم و از سمانه می‌خواهیم از بچه‌هایش خوب مراقبت کند.

رئیس دادگاه سپس از پیرمرد پرسید دپه هم نمی‌خواهید؟ که پدر مقتول گفت: خون پسرم فروشی نیست و دپه نمی‌خواهم. این زن کاری کرده بود که پسرمان این اواخر خیلی ضعیف شده بود و در آخر هم او را کشت اما باید قول بدهد از نوه‌هایم مراقبت کند و با آنها بد رفتاری نکند.

مادر مقتول هم در ادامه از خون پسرش گذشت کرد و گفت: فقط به خاطر نوه‌هایم این زن را بخشیدیم و نمی‌خواهیم آنها بدون مادر بزرگ شوند.

رئیس دادگاه سپس از سمانه خواست از خود دفاع کند که زن جوان گفت: باور کنید قبل از این ماجرا آزارم به مورچه هم نرسیده بود. نمی‌خواستم این اتفاق بیفتد و از خانواده شوهرم به خاطر این بخشش بزرگ تشکر می‌کنم. از قضات دادگاه می‌خواهم مرا ببخشند تا زودتر آزاد شوم و کنار بچه‌هایم باشم. دوست ندارم تجربیات تلخی را که در زندگی داشتم دخترم تجربه کند. در پایان، یکی از وکلای متهم در دفاع از او گفت: باتوجه به رضایت اولیای دم و نگرانی آنها از سرنوشت نوه‌های‌شان، درخواست دارم قضات در تصمیم‌گیری به این موضوع توجه داشته باشند.

پس از دفاعیات متهم قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.



## بخشش قاتل در وقت اضافه



درحالی‌که قاتل جوان اهل استان هرمزگان به دار آویخته‌شده و تنها چند ثانیه با مرگ فاصله داشت، پس از گذشت ۲۰ ثانیه، با تلاش‌های مسئولان قضایی در زندان، توسط اولیای دم بخشیده شد و فرصت زندگی دوباره پیدا کرد. این اتفاق در حالی افتاد که قاتل هیچ امیدی به نجات نداشت. سال ۱۴۰۰ پسر جوان هرگز تصورش را هم نمی‌کرد که روزی انگ قاتل به او بچسبد اما یک تصمیم اشتباه او را با مرگ رو در رو کرد. الهام پوردهقانی، معاون دادستان مرکز استان هرمزگان در امر اجرای احکام

کیفری با تشریح جزئیات پرونده به خبرنگار جام جم گفت: «قاتل درحال حاضر حدود ۲۵ ساله و مقتول در زمان قتل حدود ۵۰ سال داشت. این دو بر سر موضوع بسیار پیش‌پا افتاده‌ای با یکدیگر درگیر شدند. آنها پیش از این نیز با هم درگیری‌های جزئی داشتند که این بار شکل جدی به خود گرفت. روز جنایت، این دو در یکی از محله‌های بندرعباس درگیر شدند و قاتل که از قبل چاقو در جیبش داشت، با استفاده از آن ضربه‌ای به مقتول وارد کرد. پس از جنایت، مقتول به بیمارستان منتقل شد اما شدت جراحات به حدی بود که جان خود را از دست داد. قاتل دستگروپس از اعتراف و محاکمه در دادگاه به زندان منتقل شد. در سال‌های دوم و سوم رانک‌ب جنایت‌که رای دادگاه صادر شد، گفت‌وگوهایی برای اخذ رضایت از خانواده مقتول انجام شد که راضی نشدند و به همین دلیل بهمن سال گذشته بنده تاریخ اجرای حکم را تعیین کردم. روز موعود اولیای دم در محل اجرای حکم حاضر شدند و می‌خواستند همان روز حکم را اجرا کنند که سعی کردیم با وساطت و صحبت، رضایت خانواده مقتول را بگیریم که در نهایت رضایت ندادند اما یک سری شرط و شروط تعیین شد و مقداری هم وجه‌المصالحه تعیین و اعلام کردند خانواده قاتل سه ماه فرصت داشتند مبلغ تعیینی را پرداخت کنند و در غیر این صورت حکم قصاص اجرا می‌شد.»

وی ادامه می‌دهد: «فروردین امسال یکی از اولیای دم با مراجعه به بنده اعلام کرد که خانواده قاتل پس از گذشت سه ماه به شرط خانواده مقتول عمل نکردند و به همین دلیل خواهان اجرای حکم شدند. طبق قولی که داده بودم، قرار شد روز سه‌شنبه هفته گذشته حکم اجرا شود. روز موعود خانواده مقتول در محل حضور داشته و بسیار مصمم به اجرای حکم بودند. در همان شرایط و پای چوبه دار نیز ما سعی کردیم با وساطت، همدلی خانواده مقتول را به دست آوریم که مجدداً با کاهش مبلغ وجه‌المصالحه، فرصت دیگری در اختیار خانواده مقتول قرار دهند تا مبلغ موردنظر آنها را فراهم کنند اما تلاش‌ها موثر مواقع نشد و اولیای دم پای چوبه دار رفتند. قاتل جوان بسیار وحشت‌زده شده بود و حتی چند بار به من گفت خانم پوردهقانی لطفاً کمک کن که گفتم من تمام تلاشم را کرده‌ام و آنها تصمیم خود را گرفته‌اند. تصور من این بود که دل آنها به رحم می‌آید و مانع از اجرای حکم می‌شوند اما یکی از اولیای دم مصمم حکم را اجرا کرد.

قاتل جوان حدود ۲۰ ثانیه از چوبه دار آویزان بود و در همین لحظات ما بازش تلاش می‌کردیم تا در میانه این اقدام مانع از اجرای حکم شویم که در همین هنگام یکی از اولیای دم که از ابتدا نیز مشتاق به اجرای این حکم نبود، به سرعت جلو آمد و پاهای پسر جوان را در آغوش گرفت تا مانع از آسیب‌دیدگی بیشتر او شود. با مشاهده این شرایط، به سرعت دستور دادم تا قاتل را پایین بیاورند. او را در شرایطی که بی‌حال شده بود، به بهداری زندان منتقل و پزشک پس از معاینه اعلام کرد آسیب‌دیدگی جدی وجود نداشته و خوشبختانه نخاعش قطع نشده است. او از نجاتش بسیار خوشحال بود. پس از این اتفاق اولیای دم رضایت خود را اعلام کردند و قرار شد با مبلغ بسیار کمتر از آنچه‌که از قبل اعلام کرده بودند، مساله را رفع و رجوع کنند. قاتل جوان نیز از نجات خود بسیار خوشحال شد.»

# جام جم

## حوادث

۱۹

INCIDENT

یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۴ ۷۰۲۳ شماره

#### کوتاه‌از حوادث

### همدستی ۵ مرد برای تصاحب املاک چند صد میلیاردی

۴ مرد که با همراهی و همدستی مردی بنگاهدار خود را مستاجر جا می‌زدند و خانه‌های مردم را با سندسازی تصاحب می‌کردند و بعد آن را به نام خود اجاره داده یا میلیاردی می‌فروختند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل زمستان سال گذشته مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت کرد سند ملکش به سرقت رفته و غیر قانونی فروخته شده است. وی در جریان تحقیقات گفت: خانه‌ام در شمال تهران ۲۶۳ میلیارد تومان ارزش دارد. مشخصات آن را به یک بنگاه داده بودم تا برایم بفروشد. یک روز به من زنگ زد و اطلاع داد مشتری برایم پیدا کرده است. در آنجا با دو مرد جوان و میاسنال که شریک بودند بعد از توافق قراردادی نوشته شد. بیعانه‌ای پرداختند و قرار شد دو هفته بعد به بنگاه بروم و بقیه پول را بگیرم تا کار انتقال سند انجام شود. سند هم به امانت دست بنگاهدار بود. روز مورد نظر که به بنگاه رفتم فهمیدم بنگاهدار نقل مکان کرده و کسی از او خبری ندارد. تلفن او و هر دو مشتری هم خاموش بود. چند روز بعد خانواده‌ای رنگ در خانه‌ام را زدند و گفتند خانه را خریده‌اند و باید آنجا را تخلیه کنم. سریع به پلیس خبر دادم و حالا از متهمان شکایت دارم.

تحقیقات برای دستگیری متهمان فراری ادامه داشت تا این‌که افراد دیگری نیز با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت‌هایی را از افراد کلاهبردار مطرح کردند. معلوم شد برخی خانه‌هایشان را برای اجاره گذاشته بودند و برخی برای فروش که این طور به دام افتاده‌اند و مورد سرقت اسنادشان و کلاهبرداری قرار گرفتند.

با افزایش شکایت‌ها و با دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران تحقیقات در این رابطه ادامه یافت تا این‌که دو هفته قبل رد مرد بنگاهدار در یکی از محله‌های تهران به دست آمد و او بازداشت شد. متهم اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل با دو مرد و برادران آنها آشنا شدم. این چهار نفر به بنگاهم آمدند و مدعی شدند اگر با آنها همراهی کنم و قراردادهایی قلابی در رابطه با فروش و اجاره خانه‌های مردم ثبت کنم، دستمزد میلیاردی می‌گیرم. بعد برای این‌که ردی از خودم نماند محل بنگاه را مدام تغییر می‌دادم و همین باعث شد مالکان قبلی و جدید خانه‌ها را به دردرس بیندازیم. در ادامه با اعتراف او چهار متهم که دو به دو با هم برادر بودند نیز شناسایی و بازداشت شدند. سهیل یکی از متهمان در اظهارتش گفت: من و برادرم سه مرتبه بابت جعل، کلاهبرداری و انتقال سند خانه‌های مردم و فروش آن دستگیر و به زندان افتاده بودیم. در زندان با مردی کلاهبردار آشنا شدم. بعد از آزادی‌مان او برادرش را هم عضو گروه‌ها‌م کرد. بعد از آن با کمک مردی بنگاهدار نقشه کلاهبرداری را اجرا می‌کردیم. این در حالی بود که بقیه متهمان نیز گفته‌های مشابهی را مطرح کردند.

صیاد خاکزاد عربلو، بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهمان برایشان قرار قانونی صادر شد و پول و اموالی که آنها از راه این سرقت و کلاهبرداری به دست آورد بودند هم به دستور قضایی توقیف شد.

### توزیع مواد مخدر میان دختران دانشجو و نوجوان

جانشین فرمانده انتظامی همدان از انهدام شبکه توزیع مواد مخدر در میان دختران دانشجو و نوجوان این استان خبر داد.

سردار رضا زارعی در این باره به مهر گفت: در پی اخبار واصله مبنی بر این‌که فردی با هویت معلوم با اغفال دانش‌آموزان و دانشجویان دختر اقدام به فروش و توزیع مواد مخدر و قرص‌های غیرمجاز بین آنها می‌کند، تحقیقات پلیسی در این رابطه آغاز شد. مرد قاچاقچی تحت تعقیب قرار گرفت و سرانجام بازداشت شد.

در بازرسی از وی مقداری مواد مخدر صنعتی و سلاح سرد کشف و نامبرده پس از تحقیقات تکمیلی جهت سیر مراحل قضایی به دادسرا معرفی شد.

